

بسم الله الرحمن الرحيم

(ترجمه)

### جنگ ایران و استراتژی چاپ پول برای امریکا!

در حالی که ستون‌های دود در آسمان خلیج عربی پس از آغاز درگیری‌ها در بیست‌وهشتم فبروری ۲۰۲۶ اوج می‌گیرد، نگاه جهان بیش از هر چیز به تحرکات تاکتیکی ناوهای هواپیمابر و تلفات سنگین انسانی این جنگ دوخته شده است. اما در پس پرده این رویارویی خونین، سازوکاری کهنه اما بسیار قدرتمند، بی‌صدا به حرکت درآمده است؛ و آن ماشین چاپ پول وابسته به بانک مرکزی امریکا (فدرال رزرو) است.

در شرایطی که اقتصاد جهانی زیر فشار از دست رفتن ناگهانی بیست درصد از عرضه نفت جهان، در پی اختلال در رفت‌وآمد کشتی‌ها از تنگه هرمز دچار تزلزل شده است، اداره امریکا خود را برای اجرای یک مانور پولی آماده می‌سازد که از نظر ابعاد، با بزرگ‌ترین تحولات سیاسی-مالی قرن بیستم برابری می‌کند.

حقیقت این بحران را می‌توان در زبان خشک ارقام مربوط به نظام «نفت در برابر دالر» به‌روشنی مشاهده کرد. پیش از جنگ، جهان روزانه نزدیک به صد میلیون بشکه نفت را با میانگین قیمت هفتاد دالر مصرف می‌کرد؛ امری که نیازمند نقدینگی روزانه حدود هفت میلیارد دالر بود، که بخش عمده آن توسط فدرال رزرو تأمین می‌شد. اما امروز، با افزایش قیمت هر بشکه نفت برنت (Brent Crude) نوعی نفت خام که از میادین نفتی دریای شمال - بین بریتانیا و نروژ- استخراج می‌شود و به‌عنوان مرجع جهانی قیمت نفت شناخته می‌شود. به حدود یک‌صد و ده دالر و احتمال افزایش بیشتر آن، نیاز روزانه بازار جهانی به نقدینگی به یازده میلیارد دالر رسیده است.

این تغییر، شکاف عظیم نقدینگی در سطح جهانی ایجاد کرده است؛ شکافی که به چهار میلیارد دالر در روز، یا نزدیک به یک‌صد و بیست میلیارد دالر در ماه می‌رسد. از آن‌جا که نفت در بازار جهانی منحصراً با دالر قیمت‌گذاری می‌شود، تقاضا برای این «اسکناس سبز» تنها در بخش انرژی بیش از پنجاه درصد افزایش یافته است. برای فدرال رزرو، این وضعیت نه تهدید، بلکه فرصتی طلایی است؛ فرصتی برای گسترش حجم پول و انتقال تورم به بیرون از مرزهای امریکا، به‌گونه‌ای که سایر دولت‌ها این دالرها را تازه چاپ‌شده را برای تأمین نیاز فوری خود به انرژی جذب کنند و در نتیجه، فشار تورمی در داخل امریکا کاهش یابد.

این صحنه، بازتاب روشن از بحران سال ۱۹۷۳ است؛ زمانی که تحریم نفتی به رهبری عربستان سعودی باعث بالارفتن چندبرابری قیمت‌ها شد و جهان را در آشفتگی اقتصادی فرو برد. با این حال، از دل همان بحران، توافق مشهور «نیکسون-فیصل» سر برآورد؛ توافقی که فروش نفت توسط دولت‌های اوپک (اوپک یا سازمان دولت‌های صادرکننده نفت (OPEC) یک سازمان بین‌المللی است که دولت‌های صادرکننده نفت را گرد هم آورده تا در سیاست‌های نفتی با هم هماهنگ عمل کنند) را منحصراً به دالر گره زد و به امریکا امکان داد پیامدهای لغو پیوند دالر با طلا در نظام «برتون وودز» را پشت سر بگذارد.

امروز نیز جهان شاهد تقویت دوباره سازوکار «پترودالر» است. همان‌گونه که بحران دهه هفتاد به امریکا امکان رهایی از قید طلا را داد، جنگ کنونی با ایران نیز به فدرال رزرو اجازه می‌دهد تریلیون‌ها دالر برای پوشش قیمت‌های جدید انرژی تولید کند. بدین ترتیب، امریکا می‌تواند از طریق تحمیل نوعی مالیات غیرمستقیم بر نیاز جهانی به انرژی، سلطه خود را بیش از پیش تحکیم بخشد.

با این حال، هزینه این گسترش پولی به‌طور کامل بر دوش دولت‌های واردکننده نفت سنگینی می‌کند. در این میان، چین و اتحادیه اروپا بیشترین آسیب را متحمل می‌شوند. برخلاف امریکا که هم صادرکننده نفت و هم دارنده ارز ذخیره جهانی است، این قدرت‌ها با افزایش سرسام‌آور قیمت انرژی مواجه‌اند، بی‌آن‌که ابزار جبران آن را در اختیار داشته باشند.

چین، به عنوان بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان، می‌بیند که حاشیه سود صنعتی اش زیر فشار هزینه‌های انرژی در حال فروریختن است؛ در حالی که اروپا در تنگنای دوگانه‌ای گرفتار آمده است: از یک سو قیمت‌های بلند انرژی و از سوی دیگر ناتوانی ساختاری در چاپ پول برای پرداخت این هزینه‌ها. این وضعیت، چشم‌انداز رهایی اروپا از سلطه آمریکا را که هنوز در افق آرزوهایش دیده می‌شود، بیش از پیش تیره می‌سازد.

هرچند روسیه در کوتاه‌مدت از افزایش قیمت‌ها سود می‌برد، اما این سود ماهیت تاکتیکی و وابسته به مسیرهای پیچیده صادراتی دارد؛ در مقابل، سود آمریکا عمیقاً استراتژیک است و در تار و پود نظام پولی جهانی ریشه دوانده است.

در داخل آمریکا نیز این پیروزی استراتژیک بی‌هزینه نیست. شهروند عادی، هر بار که برای سوخت‌گیری توقف می‌کند، بهای این جنگ را می‌پردازد. با وجود آن‌که فدرال رزرو بخشی از تورم را به خارج منتقل می‌کند، قیمت سوخت همچنان تابع بازار جهانی نفت است. از همین رو، مصرف‌کننده آمریکایی با آنچه می‌توان «مالیات استراتژیک» این جنگ نامید، روبه‌رو است: پرداخت هزینه‌های بی‌سابقه برای سوخت، در حالی که پول کشورش به حیاتی‌ترین ابزار مبادله در جهان بدل می‌شود.

این هزینه، در واقع بهای حفظ نظم است که بر پایه وابستگی دیگران شکل گرفته است؛ نظمی که در آن آمریکا از طریق واداشتن جهان به بازگشت به محور دالر، حتی به بهای افزایش نارضایتی‌های مردمی، منافع خود را تأمین می‌کند.

جنگی که در بیست‌وهشتم فبروری آغاز شد، این تصور را که اقتصاد جهانی عرصه‌ی بی‌طرف است، در هم شکست و نشان داد که این نظام بر پایه سلطه و وابستگی شکل گرفته است. با واداشتن دولت‌ها به رقابت برای دستیابی به دالر بیشتر جهت خرید نفت کمتر، فدرال رزرو عملاً در حال تثبیت سلطه آمریکا برای یک قرن دیگر است.

افزایش مورد انتظار در تولید دالر، پیامد تصادفی از جنگ نیست، بلکه نتیجه طبیعی نظامی است که برای شکوفایی در دل بحران‌ها طراحی شده است. همان‌گونه که در سال ۱۹۷۳ نیز روشن شد، مسئله تنها نفت نبود، بلکه حفظ جایگاه دالر به‌عنوان پادشاه بلامنازع اقتصاد جهانی مطرح بود؛ جایگاهی که واشنگتن امروز بار دیگر با تمام توان در پی تثبیت آن است.

اما در این میان، جایگاه سرزمین‌های اسلامی در برابر این اختاپوس جهانی کجاست؟

واقعیتی تلخ و فزاینده آن است که سرزمین‌های اسلامی همچنان به میدان نفوذ و تاخت‌وتاز آمریکا بدل شده‌اند؛ دولتی که از هر سو بر آن‌ها فشار وارد می‌کند و آن‌ها را به صحنه قدرت‌نمایی نظامی و مالی خود تبدیل ساخته است. در این میان، جان مسلمانان در مقیاس گسترده از بین می‌رود؛ چنان‌که در افغانستان، فلسطین، سوریه و امروز در ایران شاهد آن هستیم، بی‌آن‌که نشانه‌ای از برنامه‌ریزی جدی برای بهره‌برداری از این فداکاری‌ها یا رهایی از سلطه فرعون زمان، یعنی آمریکا، دیده شود و این همان حقیقتی است که در ضرب المثل آمده است: «هر که کشت، همان را درو کرد».

زیرا امت اسلامی همچنان زیر سایه حکام ظالم و فاجر خود قرار دارد و از اسباب نصرت و نهضت فاصله گرفته است.

تعجب‌آور است که این امت، هنگام سخن از وحدت در آغاز و پایان رمضان، به جدل، بحث و حتی لجاجت می‌پردازد؛ اما وقتی سخن از سرنوشت و آینده‌اش در دنیا و آخرت به میان می‌آید، گوش‌های خود را می‌بندد؛ همانند کسانی که الله سبحانه و تعالی درباره‌شان می‌فرماید:

﴿وَإِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِ آٰئَاتُنَا وَلِيٰ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِيٓ أُذُنِيْهِ وَقْرًا فَبَسَّرْهُ بِعَذَابِ أَلِيْمٍ﴾ [لقمان: ۷]

ترجمه: و چون آیات ما بر او خوانده شود، متکبرانه روی بر می‌گرداند؛ گویی آیاتمان را نشنیده و گویا گوش‌هایش سنگین است؛ پس او را به عذاب دردناکی مژده بده.

و نیز:

﴿وَإِذِى كَلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِيَتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصْبُعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَأَسْتَعْشَوْا تِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَآسْتَكْبَرُوا آسْتَكْبَارًا﴾ [نوح: ٧]

ترجمه: و هرگاه كه دعوتشان دادم تا آنان را بيامرزى، انگشتانشان را در گوش هایشان كردند و لباس هایشان را بر خود پیچیدند و (بر كفششان) پافشارى نمودند و به شدت سرکشی كردند.

برگرفته از شماره ٥٩٣ جریده الرایه

نویسنده: د. محمد جیلانی

چهارشنبه، ١٤ شوال ١٤٤٧ هـ. ق.

٠١ اپریل ٢٠٢٦ م.

مترجم: عبدالرحمن مستنصر